



اصفہا فلسفے مکتبہ

نخستین ہمایش بین المللی

مجموعہ مقالات برگزیدہ

جلد دوم

بسم الله الرحمن الرحيم

مکتب فلسفی اصفهان اصطلاحی مستحدث نزد پژوهشگران عرصه‌ی مطالعات سنت حکمی و عرفانی عالم اسلام است. حکیمان حوزه‌ی اصفهان به خوبی نشان دادند که استمرار واقعی این سنت و انتقال روح آن از عصر فارابی و ابن سینا به بعد، نه از مجرای چهره‌هایی مانند ابن‌رشد اندلسی، که از طریق حکمایی مانند میرداماد، مؤسس مکتب اصفهان میسور است؛ و این طریقی بود که پیشتر به همت حکیمان و عارفانی مانند شیخ اشراق، ابن عربی، خواجه طوسی، ابن‌ترکه اصفهانی، سید حیدر آملی، ابن‌ابی‌جمهور احسایی و اعظم حوزه‌ی شیراز هموار شده بود.

نشاط فکری، رونق حوزه‌های درسی، جامعیت، تلفیق مشارب گوناگون فکری در عین خلاقیت و نوآوری، جمع میان عقلانیت و معنویت، پاسخ‌گویی به پرسش‌های روز و مهم‌تر از همه عرضه‌ی آموزه‌هایی برآمده از روح و باور شیعی، رویداد بزرگی بود که حاصل آن به تعبیر برخی از محققان معاصر **حکمت معنوی تشیع** است. این شیوه‌ی نوین فکری، توجهی ویژه به متن قرآن کریم و روایات و ادعیه‌ی مأثوره از پیشوایان دین داشت که با بهره‌گیری از تأویل توانست خلاء موجود در حکمت اسلامی دوران پیش از خود را به خوبی جبران کند.

حوزه‌ی فلسفی اصفهان، سایر مشارب فلسفی قدما را نیز در بطن خود حفظ و بازسازی کرد و حتی با توانی بیش از قبل، ضامن تداوم آن‌ها شد. از باب نمونه، بیشترین حواشی و تعلیقات بر شفا‌ی شیخ‌الرئیس در همین دوران نگاشته شد؛ متون حکمت اشراق به نحو گسترده شرح و تدریس می‌شد، و عرفان ابن‌عربی نیز همچنان رواج و تداوم داشت. افزون بر این، حکیمان متأله این حوزه، این توفیق را نیز داشتند که مکتب اخلاقی-عرفانی تشیع را قوام بخشیده و به تربیت نفوس و ارتقای معنوی اهل سلوک همت گمارند.

گفتنی است اصطلاح **مکتب فلسفی اصفهان** به جریان خاصی از حکمای اصفهان اطلاق نمی‌شود. در درون این مکتب، افزون بر حوزه‌ی میرداماد و شاگردانش که به **حکمت یمانی** نیز شهرت یافت، **حکمت ایمانی** یعنی طریق خاص فکری و عملی شیخ بهایی، **حکمت تطبیقی** که بر مدار آرای حکمی میرفندرسکی استوار شد، **حکمت متعالیه** صدرایی و بالاخره **حکمت تنزیهی** مالرجبعلی تبریزی نیز جای می‌گیرند.

آنچه از مآثر حکیمان متأله آن عصر طلایی در دوران صفویه از سده یازدهم هجری به بعد بر جای مانده است، مجموعه‌ای گرانسنگ از معارف حکمی به شمار می‌رود که از حیث کمی و کیفی با هیچ دوره‌ای از ادوار و حوزه‌های از حوزه‌های فرهنگ کهن اسلامی ایران، پیش و پس از آن، قابل مقایسه نیست.

بر بخش بزرگی از این میراث عظیم فکری و معنوی، با گذشت سه- چهار سده، همچنان گرد غربت در کتابخانه‌های شخصی و عمومی نشسته است. آیا جای این پرسش نیست که حتی فهم صحیح حکمت صدرایی - که مشهورتر از سایر مشارب حکمی حوزه اصفهان است- جز با آگاهی بر فعالیت‌های فلسفی زمانه‌ی او و چالش‌های میان او با سایر مکاتب و جریان‌ها چگونه ممکن است؟ نیز چگونه می‌توان به طرح حکمت و فلسفه‌ای زنده، مؤثر و تحرک‌زا در ایران برای مواجهه با مقتضیات عالم معاصر، جز با اِشراف بر آثار و مآثر فلسفی آن عهد باشکوه، توفیق یافت؟

در چند دهه‌ی گذشته استادان و محققانی از جمله شادروان استاد سید جلال‌الدین آشتیانی به پیشنهاد اسلام‌شناس فقید فرانسوی هانری کرین در جهت معرفی آثار حکمای شیعی عصر صفوی به چاپ و انتشار نمونه‌هایی از متون حکمی و عرفانی حکمای اصفهان از میرداماد و میرفندرسکی تا بیدآبادی و نراقی در چهار مجلد مبادرت نمودند. چند سال پیش نیز در همایش بین‌المللی «از اصفهان تا قرطبه» پاره‌ای از متون حکمای اصفهان چاپ و منتشر شد. با وجود این، ثلث آثار حکمی به جای مانده از حکیمان اصفهان نیز هنوز چاپ نشده است؛ از این‌رو به نظر می‌رسید که بهانه‌ی گردهمایی بین‌المللی، می‌تواند زمینه‌ی مناسبی را برای اِیحای آثار این بزرگان فراهم آورد و برای نخستین‌بار به گونه‌ای مستقیم و با محوریت کتب و آثار حکیمان اصفهان عصر صفوی به نشر آن‌ها مبادرت نمود.

پس از اعلام فراخوان **همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان** و آغاز به کار دبیرخانه و کمیته-ی علمی همایش، نخست دست به کاربرسی مقالات رسیده شدیم. این مقالات در سه سطح استادان، دانشجویان و همکاری استاد و دانشجو ارائه گردید که تمامی آن‌ها توسط داوران محترم ارزیابی و پس از تایید نهایی جهت چاپ و انتشار در مجموعه مقالات همایش آماده شد. فهرست مجموعه مقالات همایش بر اساس حروف الفبای نام خانوادگی نویسندگان تنظیم شد و نمایه‌ای نیز بر پایه‌ی حروف الفبای موضوعات مقالات در آخر مجموعه افزوده شد. از آن‌جا که حجم مقالات رسیده گنجایش بیش از یک مجله را داشت و از سوی دیگر در سه سطح مذکور ارائه شده بود، تصمیم گرفته شد که مقالات در سه مجلد چاپ و منتشر گردد. گفتنی است که چون شماری از مقالات دریافت شده از نظر داوران محترم دارای درجه‌ی علمی-پژوهشی بود، مقرر گردید که مقالات مذکور در مجله‌ی علمی پژوهشی تایخ فلسفه وابسته به بنیاد اسلامی حکمت صدرا نیز جداگانه چاپ شود که بدین‌وسیله از مسئولان آن مجله‌ی وزین به ویژه سردبیر محترم آن تشکر و قدردانی می‌شود. افزون بر کار بررسی مقالات رسیده، تصحیح و تحقیق آثاری از حکیمان این حوزه و نیز نگارش کتاب‌های جداگانه درباره‌ی فعالیت‌های فلسفی این دوره و معرفی حکمای اصفهان، در دستور کار دبیرخانه‌ی همایش قرار گرفت.

آن دسته از آثاری که امیدواریم برای این همایش انتشار یابند، از این قرارند:

شرح التائیه الکبری صائن الدین علی ابن التکره اصفهانی، الشوارق ابوالحسن قاتنی کاشانی، الافق المبین میرداماد، رساله الايقاظات فی خلق الاعمال میرداماد، خطفات القدس میر سید احمد علوی، الکلمة الطیبة فیاض لاهیجی، شرح فارسی تهذیب المنطق فیاض لاهیجی، بیان الاسرار (در شرح مصباح الشریعه) شیخ حسین زاهدی، مجموعه رسائل فارسی ملا اسماعیل خاتون آبادی، شرح العرشیه ملا اسماعیل واحد العین، ساقی نامه‌ی ابوطالب فندرسکی، سیر تحول حوزه فلسفی اصفهان از ابن سینا تا ملاصدرا، مکتب فلسفی شیراز، مکتب فلسفی اصفهان، فرهنگ اصطلاحات کلامی فیاض لاهیجی، جریان های فکری حوزه علمیه اصفهان، دیدار با فیلسوفان سپاهان، مکتب فلسفی اصفهان از دیدگاه دانش پژوهان.

البته این گامی است نخست در معرفی میراث حکمی و معنوی تشیع؛ و از آن جا که انتشار این حجم از آثار به جای مانده، کار و برنامه‌ی موسعی را می‌طلبد، تصمیم بر این شد تا قلمرو منشورات نخستین همایش مکتب فلسفی اصفهان، به آثار حکمای عصر صفوی از میرداماد تا حکیم خواجه‌ی اختصاص یابد. این مجال که به لطف و عنایت حق و حسن توجه تنی چند از محققان و فضالی گرانقدر و شماری از نهادها و مراکز و مؤسسات دینی و پژوهشی فراهم شد، به مثابه‌ی آغاز راه و طلیعه‌ی عرصه‌ای است سرشار از ذخائر علمی و معنوی.

امید آن که بتوانیم با استعانت از توفیقات پروردگار حکیم و مساعدت‌های مسئولان فرهنگی کشور و کلیه‌ی علاقمندان به احیای حکمت اصیل شیعی، گام‌های بعدی و مؤثرتری را در خصوص احیای آثار سایر حکمای اصفهان برداریم.

گروه فلسفه‌ی دانشگاه اصفهان به عنوان برگزارکننده‌ی این همایش، با سپاس از الطاف ایزد بی‌همتا، از کلیه‌ی شخصیت‌های حقیقی و حقوقی، مسئولان اجرایی، اساتید و دانشجویانی که ما را در هر چه بهتر برگزار شدن همایش، امور اجرایی آن، چاپ و نشر آثار و سایر موارد یاری نمودند، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌نماید.

۱- اعضای شورای سیاست‌گذاری:

آقایان آیت الله حاج سید محمد خامنه‌ای، حجه الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه، حجه الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن مظاهری، دکتر محمد حسین رامشت، دکتر محمد بیدهدنی،

دکتر حسین کلباسی، دکتر سید مرتضی سقائیان نژاد، دکتر مهدی جمالی نژاد، دکتر احمد علی فروغی، دکتر محمد فضیلتی، مهندس مصطفی بهبهانی، سردار کریم نصر اصفهانی، مهندس علی کلباسی.

۲- اعضای کمیته‌ی علمی (به ترتیب الفبا):

آقایان دکتر محمدعلی اژه‌ای، دکتر مهدی امامی جمعه، دکتر مرتضی حاج حسینی، دکتر مهدی دهباشی، دکتر علی ربانی، دکتر جعفر شانظری، دکتر مجید صادقی، دکتر محسن محمدی فشارکی، دکتر محمد مشکات، دکتر اصغر منتظر القائم، دکتر سید علی اصغر میرباقری فرد، دکتر حامد ناجی اصفهانی، حجه الاسلام و المسلمین حاج شیخ مجید هادی زاده.

۳- ریاست محترم مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان جناب آقای مهندس بهبهانی که از حامیان اصلی برگزاری همایش بوده و چاپ سه جلد مجموعه مقالات همایش را نیز بر عهده گرفتند، صمیمانه تشکر می‌نمایم.

۴- دانشگاه‌هایی که در شهر اصفهان حق‌التحقیق صاحبان آثار و منشوراتی که به چاپ خواهد رسید را به عهده گرفته‌اند:

الف) دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان ب) دانشگاه پیام نور استان اصفهان. بدین‌وسیله از رؤسای محترم، معاونین پژوهشی و سایر مسئولان این دو دانشگاه قدردانی و تشکر می‌نماییم.

۵- جناب آقای سعید محمدی دبیر کمیته‌ی اجرایی و نیز دبیر مرکز مطالعات و پژوهش‌های شورای اسلامی شهر اصفهان.

۶- سرکار خانم فریده کوه‌رنگ بهشتی مسئول دبیرخانه‌ی همایش و نیز سایر دانشجویان گروه‌های فلسفه و الهیات (فلسفه و کلام اسلامی).

علی کرباسی زاده اصفهانی
دبیر علمی نخستین همایش
بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان

فهرست

- دکتر علی ارشد ریاحی / مهدی گنجور**
دستاوردها و برکات کلامی-دین‌شناختی نظریه "حرکت جوهری" در حکمت متعالیه ۱۱
- دکتر علی ارشد ریاحی / افسانه لاجینانی**
نقش عرفان و برهان در حکمت متعالیه ۳۳
- دکتر رضا افهمی / دکتر لطف‌الله نبوی / فرزانه فرشیدنیک**
تأکید بر نقش مخاطب به عنوان فاعل شناسا در معماری و شهرسازی مکتب اصفهان (مطالعه موردی: معماری اصفهان عصر صفوی) ۴۹
- دکتر حمید برقی / دکتر یوسف قنبری / مراد کیانی پور**
بررسی نقش مکتب فلسفی اصفهان در شکوفایی فرهنگ و هنر عصر صفویه ۷۱
- دکتر موسی پرنیان / شهرزاد بهمنی**
تعامل ادبیات و فلسفه در مکتب اصفهان عصر صفوی ۷۹
- دکتر مهدی دهباشی / اصغر فتحی عمادآبادی / محدثه آهی**
بررسی تطبیقی وحدت ذهن و عین در مساله ی شناخت نزد صدر و هگل ۱۰۱
- دکتر علی ربانی / دکتر ثریا معمار / علی اکبر جعفری / معصومه حیدری**
بررسی جامعه‌شناختی سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه و نقش آن در توسعه تشیع ۱۲۳
- دکتر فروغ السادات رحیم‌پور / فرزانه شهبازی**
بررسی و تطبیق آراء صدوق، مفید و مجلسی در مسئله «سهوالنبی» ۱۴۷
- دکتر محمد تقی سبحانی / محمد جعفر رضایی**
مدرسه کلامی اصفهان ۱۶۷
- دکتر جعفر شانظری / مجید یاریان**
واکاوی دیدگاه‌های کلامی جدید در باب سرشت وحی نبوی، با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه ۱۹۵
- دکتر مجید صادقی حسن آبادی / حمیدرضا عبدلی مهرجردی / مجید یاریان کوپائی**
در آمدی بر رویکرد فلسفی ملاصدرا به تفسیر قرآن ۲۲۳
- دکتر جهانگیر صفری / نگین محمدی نافچی**
نگاهی به جایگاه فیاض لاهیجی در شعر مکتب اصفهان ۲۴۵
- دکتر علی کرباسی‌زاده اصفهانی / فریده کوهرنگ بهشتی / سنا جوانمردی**
ملازجبعلی در مقابل ملاصدرا در بحث وجود ذهنی ۲۶۵
- دکتر محسن محمدی فشارکی / طاهره صالحیان**
محقق سبزواری و جایگاه حاکم در اخلاق سیاسی ۲۹۱

مجموعه مقالات برگزیده نخستین همایش بین‌المللی مکتب فلسفی اصفهان ۱۰

دکتر محسن محمدی فشارکی / فاطمه قیومیان محمدی

نگاهی دوباره به گربه و موش شیخ بهایی ۳۱۱

دکتر بهار مختاریان / کیوان حق نظری

آیکونوگرافی جلودار در نگاره ای از چهلستون ۳۳۱

دکتر محمد مشکات / مجید یاریان

جستجوی مبانی نظری «امکان فقری» ملاصدرا در اندیشه‌ی محقق دوانی ۳۵۱

دکتر محمد مهدی مشکاتی / مهدی منصوری

واکاوی و نقد مبانی الهیات سلبی با تأکید بر آراء ملاصدرا ۳۷۵

دکتر سید محسن میرباقری / سمیرا گلی

رابطه عقل و دین از دیدگاه ملاصدرا ۴۱۳

دکتر محمد رضا یوسفی / لیلا امیری

بینامتنیت در غزلیات حاج ملاهادی سبزواری و حافظ ۴۳۳

نمایه عنوان مقالات ۴۵۲

رابطه عقل و دین از دیدگاه ملاصدرا

سید محسن میرباقری^۱ / سمیرا گلی^۲

چکیده

ارتباط و نسبت میان عقل و دین یکی از دیرینه‌ترین مسائل مورد نزاع و مناقشه در بین عقل‌باوران و عقل‌گریزان در حوزه مسائل دینی بوده است. صدرالمآله‌یین یکی از شاگردان میرداماد بر ارتباط و توافق وحی (دین) و عقل اصرار داشته و معتقد است نه تنها عقل روشن کننده مبادی دین است بلکه بسیاری از آموزه‌های دینی نیز در بسیاری از مسائل روشن کننده براهین عقلی می‌باشند. وی به عنوان یکی از شاخص‌ترین چهره‌های مکتب اصفهان با جایگزینی فلسفه تقدم وجود بر ماهیت به جای فلسفه سنتی مرسوم در زمان خویش، انقلابی عظیم در فلسفه ایجاد نمود.

انسان‌شناسی صدرا پیوندی بسیار با نگاه هستی‌شناسی و معرفت‌شناسی وی دارد و در آن نفس انسانی در سفلی‌ترین مرتبه خویش در نتیجه کسب فیض از اولی و انجام ریاضات و اعمال و طی مراحل عقلانی صعود کرده و پس از اتصال به عقل فعال و یکی شدن با عالم ملکوت واجد دریافت حقایق از منبع وحی می‌گردد. وی معتقد است معارف دینی به سه شکل معارف عقل پذیر، معارف عقل گریز و معارف عقل ستیز بیان می‌شوند که به اعتقاد وی معارف عقل ستیز اصلا وجود خارجی ندارند و معارف عقل گریز به معنای معارف ضدعقل نیستند بلکه آن‌ها فراعقلی بوده و به تعبیری می‌توان آن‌ها را از محدوده عقل انسانی خارج دانست. هر چند که صدرا حکم قطعی در مورد معارف فراعقلی را منوط به عواملی چون قطعیت در حکم عقل و فهم دقیق و نه سطحی از آیات می‌داند. پس می‌توان چنین نتیجه گرفت برخلاف دیدگاه‌هایی چون دیدگاه اخباریان و اهل حدیث نه تنها تضاد و تعارضی بین معارف عقلی و دین وجود ندارد بلکه این دو هر دو نور بوده و در مسائل معرفتی هر دو مکمل و متمم یکدیگرند و به تعبیر صدرا نور علی نور می‌باشند.

واژگان کلیدی: عقل، دین، مکتب اصفهان، ملاصدرا، معارف فرا عقلی

۱ - استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید رجایی

۲ - کارشناس ارشد فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی

مقدمه

تحقیق در حوزه علوم انسانی برای ارتقاء سطح بینش یک جامعه امری اجتناب ناپذیر است و در این راستا استفاده از منابع کسب شناخت و معرفت، برای حصول این هدف، امری بس مهم و اساسی به شمار می‌آید. در فرهنگ شیعه دین و عقل به عنوان دو منبع اساسی برای دستیابی به معرفت در کنار دیگر منابع از اهمیت بالایی برخوردارند و نکته مهم پیرامون این دو مقوله، میزان هماهنگی و توافق و یا ناهماهنگی و تعارض آن‌هاست. این موضوع به حدی دارای اهمیت است که گاه نزاع‌های طولانی میان عقل باواران و عقل‌گریزان در حوزه کسب معرفت دینی صورت گرفته است.

تاریخ فلسفه ایران بازگو کننده مکاتب فلسفی بسیار در دوره‌های گوناگون است و از جمله مشهورترین آنان مکتب فلسفی اصفهان می‌باشد که نه تنها در بین مکاتب جهان اسلام چه بسا در بین سایر مکاتب فکری جهان دارای اهمیت و اعتبار بالایی است چنان که هانری کربن در وصف این مکتب معتقد است این مکتب دارای تمام آن چیزی است که به لحاظ فکری آینده‌نیازمند آن است. (کربن، ۱۳۷۳، ص ۴۷۶)

ملاصدرا از طرفی به دلیل شاگردی از محضر میرداماد و از سویی تأسیس حکمت متعالیه و به دلیل برتری‌های علمی و اخلاقی و نیز نوآوری‌های فلسفی خویش از دیگر افراد این مکتب دارای اهمیت بیشتری است.

البته این امر دلیل بر عدم صلاحیت و توانایی علمی دیگر علمای مکتب فلسفی اصفهان نیست بلکه عواملی چون عدم دسترسی آسان به آثار دیگر علمای این حوزه و نیز سهولت در فهم آثار ملاصدرا و هم‌چنین وجود آثار بسیار در خصوص آراء و نظریات ملاصدرا سبب این مشهوریت گشته است.

ملاصدرا همواره در پی استفاده از دین و معارف دینی در تدوین حکمت متعالیه خود بوده و این تحقیق بر آن است تا با بررسی آراء ملاصدرا در زمینه عقل و دین، به بررسی نسبت این دو مقوله از منظر وی بپردازد. برای فهم دقیق‌تر این دیدگاه و بررسی وسیع‌تر آن در خصوص چگونگی پیوند رابطه عقل و دین این پژوهش در چند بخش تدوین گشته است. در ابتدا هر دو مقوله عقل و دین به طور کلی از دیدگاه ملاصدرا بررسی شده و در ادامه پس از بیان حقیقت هر یک، نسبت این دو از دیدگاه وی بررسی و بیان گردیده است.

عقل از دیدگاه ملاصدرا

عقل در لغت

اصل ماده عقل در مصدر از عَقَلَ، مأخوذ از عَقَال (افسار شتر)، به معنای بازداشتن، منع و حبس است. در کتب لغت معانی مختلفی برای عقل ذکر شده که اکثر موارد کاربرد آن بر بازداشتن یا معانی نزدیک به آن دلالت می‌کند. (فخرالدین طریحی، ۱۳۸۷، ص. ۴۲۶) اما معانی اصطلاحی عقل متعدد است و عالمان مسلمان هر یک با توجه به گرایش‌های فکری خود یک یا چند معنا برای آن بیان کرده‌اند (مثلاً غزالی، ۱۳۸۶، ص. ۱۰۱) و از دیدگاه این تحقیق نظر ملاصدرا دارای اهمیت است. در قرآن و شریعت نیز واژه عقل و مشتقات آن در ستایش متون دینی بسیار قرار دارد و با تأمل در قرآن اهمیت و منزلت آن نمایان می‌گردد. (مجلسی، ۱۳۸۶، ص. ۹۹ - ۱۰۱).

چیستی شناسی عقل از دیدگاه ملاصدرا

- با بررسی آراء ملاصدرا، خلاصه دیدگاه وی در دو دسته اشتراک لفظی و اشتراک تشکیکی تقسیم‌بندی می‌شود. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۵، ذیل حدیث دوم، ص. ۱۸ و ۱۹)
- الف) اشتراک لفظی: واژه عقل در معانی متعدد متباین به کار رفته و در شش دسته طبقه‌بندی می‌شود. اصرار صدرا بر این اشتراک ناظر به کارکردهای متباین عقل است.
- ۱- عقل غریزی؛ وجه ممیز انسان و حیوان، وسیله پذیرش دانسته‌های نظری و دست‌یابی به علوم آغازین است. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۵، ص. ۳۴)
 - ۲- عقل به معنای علم به بدیهیات، مسلمات و مشهورات. (همان، ص. ۳۲)
 - ۳- عقل به معنای نیرو یا حالتی در نفس که حاصل تجربه‌های عملی و ملاحظه دیدگاه‌ها و رفتارهای مختلف است. (همان، ص. ۲۲۶)
 - ۴- عقل به معنای چیزی که در عرف مردم وی را عاقل می‌دانند. (همان، ص. ۱۸)
 - ۵- عقل به معنای قوه‌ای از قوای نفس که دارای مراتب چهارگانه؛ عقل بالقوه، بالملکه، بالفعل و مستفاد است. (همان، ص. ۱۹)
 - ۶- عقل در کتاب الهیات به معنای موجود مجرد تام (بدون تعلق به نفس و بدن) است. (همان، ص. ۲۰)

ب) اشتراک تشکیکی: بعضی از معانی واژه عقل دارای مراتبی است که لفظ واژه عقل بر هر مرتبه ثابت است.

۱- عقول چهارگانه در کتاب النفس که اتلاق واژه عقل بر هر چهار مرتبه صدق می‌کند.
۲- مراتب عقل عملی در کتب اخلاق: تخلیه، تجلیه، تحلیه و فنا. بر تمامی این مراتب عقل گفته می‌شود.

۳- افراد عقل به معنای ششم در نزد گروهی از حکما یعنی همان عقول طولی و ارباب انواع.
۴- عقل به معنای غریزه انسانی که بدان از چارپایان تمایز می‌یابد. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۵، ص. ۲۵۱)

وجه اشتراک این معانی غیرجسمانی بودن و صفت نبودن برای جسم و جسمانی است و حقیقت عقل در نگاه صدرا، مرتبه چهارم عقل نظری می‌باشد. (همان)

گونه شناسی عقل

ملاصدرا در کتاب اسفار عقل را به دو نوع منفصل و متصل تقسیم می‌کند.
عقل منفصل؛ همان صادر نخستین و موجود مستقل و منفصل از وجود انسان است و به نوعی از دیدگاه وی واسطه رسیدن فیض به عوالم مثال و طبیعت می‌باشد و می‌توان آن را به عقول طولی و عرضی تقسیم نمود.

عقول طولی واسطه فیض الهی‌اند و در میانشان رابطه علیت برقرار است. این عقول زواهر و یا عقول فعاله‌اند. به طور کلی ملاصدرا در زمینه ارتباط عقل انسانی با عقول طولی معتقد است کلیات عقلی در عقل فعال قرار دارد و هم اوست که این کلیات را بر عقول انسان افزوده می‌کند. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۴۱۸ و ۴۲۷)

عقول عرضی در عرض عقول طولیه پدید آمده و ترتب علی و معلولی میان آن‌ها برقرار نیست و به نوعی تدبیر کننده نوع و آخرین مرتبه طبقات انوار مجرده‌اند. این اصطلاح اشراقی است و ملاصدرا آن‌را از سه‌روردی اخذ کرده است. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۱۱۳)
عقل متصل؛ همان عقل بشری و قوه‌ای از قوای نفس انسانی است که در سیر مراتب مختلف خود مایه برتری انسان بر حیوان و سبب جدایی او از جن و ملک می‌باشد. (همان)

گستره شناسی عقل

نفس امری واحد و دارای مراتب و قوای متعدد است. اختلاف این مراتب و قوا تشکیکی است و هر مرتبه‌ای فعلی انجام می‌دهد. این قوا هویتی مستقل از نفس ندارند و عرض برای آن نیستند. انسان هر گاه در مرتبه علم و عمل به کمال ممکن تمام این قوا برسد، به عبارتی در مرتبه علم نفس او به مرتبه‌ای دست یابد که تبدیل به عقل مستفاد شود و به عقل فعال متصل گردد و در مرتبه عمل بعد از تخلیه و تجلیه و تجلیه مراتب اسفار اربعه الی الله را در مقام سیر و سلوک طی کرده باشد، آن را انسان کامل و «خليفة الله» بر روی زمین گویند که «هو الذی یقبل و یهدی بنوره فی جمیع تجلیاته و یعبده بحسب جمیع اسمائه» (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۱۶).

علت اصلی نیاز نفس به قوا و آلات، حضور در عالم طبیعت است به نحوی که اگر نفس به هر عنوان از طبیعت جدا شود، می‌تواند افعال خود را بدون کمک از آلات مادی انجام دهد (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۴۱۸). در شکل‌گیری قوای نفس انسانی، ابتدا قوای نباتی تحقق یافته و شروع به فعالیت می‌کند و سپس در طول زمان، نفس به مرتبه قوای حیوانی دست می‌یابد و سپس به نفس انسانی می‌رسد که همان قوه عاقله و تنها مخصوص انسان است (همان).

نفس انسانی یا به عبارتی قوه عاقله از دو منظر قابل بررسی است. به لحاظ تأثیر و به این اعتبار که از مافوق خود معانی را قبول می‌کند «قوه یا عقل نظری» و به لحاظ تأثر و به این اعتبار که در مادون خویش فعلی را انجام می‌دهد «قوه یا عقل عملی» نام دارد. عقل نظری تصورات و تصدیقات را درک می‌کند و به حق یا باطل در معقولات و مدرکات دست می‌یابد و دارای چهار مرحله می‌باشد که نفس انسانی پس از طی این مراتب به تدریج از قوه به فعل درمی‌آید. عقل عملی تشخیص بایدها و نبایدها را بر عهده دارد و در اعمال به زیبایی و زشتی اعتقاد پیدا می‌کند و آن نیز دارای مراتبی است. (همان، ص. ۱۳۰) عقل عملی دارای دو صفت و حالت متضاد جریزه و بلاهت است. جریزه سرعت انتقال و تندروی زاید بر حد اعتدال تا حد انحراف در فهم انسان و باعث ایجاد شک در فهم عقل است و بلاهت خاموشی و سستی و عدم تحرک فکری است. حد متوسط جریزه و بلاهت حکمت عملی و از نوع اخلاق و اعمال است. (همان)

مراتب عقل نظری

از مرتبه عقل هیولانی شروع می‌شود تا به مرحله کمال و مرتبه عقل مستفاد و اتصال به عقل فعال برسد.

الف) عقل هیولانی

یعنی صرف استعداد و به تعبیری « شیء ما » است. چیزی مبهم که ممکن است بعدا به صورت چیزی مشارالیه درآید. همان‌طور که هیولی فی‌ذاته ممکن است صورت‌های گوناگون را قبول کند قوه و استعداد اولیه فکری انسان نیز در مرحله هیولی فعلیت تعقلی ندارد و ممکن است متعقل شود. این عقل در تمام مردم که دارای نفس هستند می‌باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۱۳)

ب) عقل بالملکه

معقولات اولیه انسان که کلیه افراد بشر در فهم و ادراک آن سهیم و مشترک‌اند و در نتیجه تابش شعاع عقلی از عالم عقل در قوه عقلیه انسان حاصل می‌شوند و کمال اول برای قوه عاقله است. صاحب این عقل مانند طفلی آماده سوادآموزی است. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۳۲۸)

ج) عقل بالفعل

انسان در این مرحله هر چه را بخواهد درمی‌یابد و کمال ثانی نفس است که در نتیجه تأمل و اندیشه در مسائل، در عقل به وجود آمده و سعادت حقیقی انسان می‌باشد و به وسیله آن حیاتی بالفعل یعنی حیاتی علمی و حیات عقلی که در آن نیازی به ماده و آلات و قوای بدنی نیست نصیب انسان می‌گردد. انسان تحت دو عامل، افعال ارادی و تحصیل حدود وسطی به وسیله عقل بالملکه و دیگری فیضان نور شعاع عقلی به این مرحله خواهد رسید. البته بر خلاف اراده که در اختیار نفس است فیضان نور شعاع عقلی، به تایید و الهام الهی و اشراق صورت گرفته و خارج از دایره اختیار انسانی می‌باشد (همان).

د) عقل مستفاد

در حقیقت همان عقل بالفعل است. یعنی هرگاه عقل انسان در مرحله بالفعل بتواند کلیه معقولات و صور علمیه را به وسیله اتصال به مبدء افعال در ذات عقل فعال مشاهده کند به مرتبه عقل مستفاد رسیده و به عبارتی نفس انسان معقولات خود را از مافوق خویش یعنی عقل فعال استفاده می‌کند. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲، ص. ۲۰۸)

این مرتبه بالاترین مرتبه سیر صعودی نفس است که در آن نفس از قوه نباتی آغاز و به عقل فعال متصل می‌گردد. به عبارتی کمال عالم به عقل فعال و اتصال نفس انسانی به آن است یعنی مقصود نهایی از ایجاد عالم جسمانی و انواع محسوسات این عالم فقط خلقت انسان بوده و غایت و مقصود خلقت انسان نیل به مقام و مرتبه عقل مستفاد است.

مراتب عقل عملی

مراتب عقل عملی همانند مراتب عقل نظری چهار مرتبه است.

الف) تخلیه، تهذیب ظاهری از تمام رزایل و خلق‌های ناپسند با به کار بردن نوامیس الهی و عمل به شرایع برای دریافت انوار الهی است.

ب) تجلیه، جلا دادن و تذهیب باطن و تزکیه و تطهیر قلب از صفات، اخلاق و اوصافی که موجب تاریکی دل است.

ج) تحلیه، نورانی کردن قلب به نور صفات پسندیده و دور کردن رزایل و جایگزینی فضایل است.

د) فنا، فنای نفس از ذات خود و استغراق در ذات و صفات الهی و مشاهده حق است. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲، ص ص. ۳۰۰-۳۰۱)

همان‌گونه که از عبارات بالا برمی‌آید کلیه آراء ملاصدرا پیرامون عقل در این چند دسته تقسیم می‌گردد و به نوعی وی در آثار خود این مراتب و مراحل را به حسب موقعیت بیان کرده است.

دین از نگاه ملاصدرا

دین در لغت: دین در لغت به معنای فرمان‌بری، تعبد، انقیاد، محکومیت، حساب، جزاء، تسلیم و عادت آمده است؛ اما می‌توان برای دین معنایی در نظر گرفت که جامع این موارد باشد. آن معنای واحد که در همه مشتقات این واژه حضور دارد عبارت است از خضوع و انقیاد در مقابل یک برنامه (راغب، ۱۳۸۸، ص ص. ۵۷۷ - ۵۷۸). اما از لحاظ معنای اصطلاحی دین، درباره تعریف دین بحث و جدل فراوان است و مبانی تعریف‌ها متفاوت بلکه در مواردی متعارض است. برخی تعریف‌ها با نگاه به دین خاصی انجام گرفته و افرادی نیز در پی ارائه تعریفی بوده‌اند که همه ادیان را دربرگیرد. از سوی دیگر، برخی تعریف‌ها هم‌چون تعریف‌های

کلامی، درون‌دینی و درصدد تعریف دین حقد و دسته دیگر از تعریف‌ها، آن‌چه را که در عمل و نظر عرف دین تلقی می‌گردد اراده کرده است. برخی تعریف مفهومی از دین را که مورد پذیرش همگان باشد دشوار یافته و به تعریف مصداقی پرداخته‌اند. و...

از نظر نگارنده مقصود از دین در این بحث در نگاه ملاصدرا، دین به معنای لغوی و یا اصطلاحی نیست و بیان این اندازه از تعریف تنها بیانی ساده برای ورود به بحث و آشنایی هر چه بیشتر مخاطب است. مقصود از دین، دین الهی، آسمانی و مشخصاً دین اسلام و مضامین متون دینی که همان کتاب و سنت است می‌باشد. زیرا اولاً مقصود از دین در نگاه صدرا به عنوان یک مسلمان، دینی الهی است و در مرحله بعد با توجه به این که شرایع الهی پیشین به صورت دست نخورده در اختیار نیست بنابراین ارزیابی در مورد توافق یا عدم توافق آنها با عقل در این باب نمی‌گنجد و در محدوده اختیارات این مبحث نیست پس لزوماً منظور از دین شرع مقدس اسلام است.

از نظر ملاصدرا دین، «ما جاء به النبی» و همچنین آن‌چه از طرف امامان و معصومین از جانب پیامبر بیان شده می‌باشد. (نیکزاد، ۱۳۸۶، ص ۱۳)

تاریخچه رابطه عقل و دین

در میان اندیشمندان اسلامی اهل حدیث و در رأس آن‌ها حنابله یا سلفیه به کلی عقلانی بودن دین و آموزه‌های دینی را منکرند و هرگونه بحث و چون و چرای دینی را حرام و بدعت می‌دانند. در اعتقاد آنان اصل اساسی پابندی به ظواهر احادیث به دور از تأویل و توجیه عقلی است. اما معتزله و اشاعره و در رأس آنان امامیه با وجود اختلاف دیدگاه، به کارگیری عقل و منطق را در اعتقادات و آموزه‌های دینی روا بلکه لازم می‌دانند.

طرح مباحث دینی در کلام پیشوایان شیعی سبب شد تا عقل شیعی پرورده شده و به عقل فلسفی تبدیل گردد و استدلال‌جویی همواره در بین علمای شیعه ادامه یافت تا در زمان حکمت‌صدرایی به اوج خود رسید تا جایی که زبان و منطق فلسفی در معارف دینی به صورت جدی و اصولی راه پیدا کرد و پس از آن نیز در جهان اسلام ادامه یافت. (همان، صص ۱-۳). در قرآن کریم بارها مشتقات عقل، فکر، فقه و علم به کار رفته و در بسیاری از این موارد بر تعقل و تفکر و فراگیری دانش در موضوعات دینی تأکید و ترغیب شده است. در موارد فراوانی برای آموزه‌ها و مدعیات دینی از سوی منکران اقامه دلیل گردیده و قرآن از مخالفان و مدعیان این اختلافات در خواست اقامه برهان عقلی در برابر این آیات نموده است.

گروه بسیاری از جمله مدعیان اخبارگر و صاحبان مکاتبی چون مکتب تفکیک و... معتقدند این احتجاج‌خواهی و صرار دستورات قرآن مبنی بر علم‌گرایی و دعوت به عقل و تعقل، تنها در راستای فرمانبرداری از نور عقل فطری و ذاتی بشر است به معنای آن که ای انسان به حکم نور عقل فطری خود از استدلال در مورد آیات قرآن و عقلانی کردن آنان بپرهیزد و تنها برای فهم آموزه‌های دینی به دامن وحی بیاویزد. این امر همان تفسیر به رأی و تأویل است که از دیدگاه قرآن امری باطل برشمرده شده است. (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۰). این اصحاب روشن‌بخشی آموزه‌های وحیانی را در برابر امور عقلی همانند روشن‌گری نورافکن و شمع قلمداد کرده‌اند و با این تعبیر نیاز به عقل را در برابر چنین منبع با عظمتی بی‌دلیل می‌دانند. عقل فطری انسانی تنها در مقدمه و تنها در تأیید وحی و تصدیق آن برای مردم مورد استفاده است و در مراحل بعدی کسب معرفت، مسیر عقل و برهان مسیری بسیار پر خطر و اشتباه بوده و صلاح دوری از آن و دست یازیدن به مسیر دین و وحی است (حکیمی، ۱۳۸۸).

به نظر نگارنده تحقیق در صحت ادعای اهل حدیث و مکاتبی چون مکتب تفکیک نیازی به تحقیق و تفحص بسیار و عمیق ندارد زیرا با کمی تأمل و حتی دقت در آموزه‌ها و مبانی خود این مکاتب عدم قطعیت دیدگاه آنان به روشنی آشکار می‌گردد برای مثال از طرفی اثبات و تصدیق حجیت کامل قرآن از یک سو و از طرف دیگر اثبات خطاپذیری راه عقل و عدم نیاز به حجیت عقل در مراحل کسب معرفت در کنار دین خود تنها به وسیله برهان و دلیل عقلی اثبات می‌شود و سخن مدعیان این مکاتب از ابتدا بر پایه نظریه‌ای اشتباه بیان شده است (خود امری را نقض می‌کنند که در عمل بر آن اصرار داشته و بر آنم واقف‌اند). در اینجا نگارنده قصد ندارد تا تمام آراء مخالفان هماهنگی دین و آموزه‌های دینی را به تفصیل بیان کند، تحقیق بیشتر در این مورد مجال دیگری می‌طلبد. این بحث به دلیل بیان اهمیت موضوع عنوان شد زیرا به نظر می‌رسد مقوله عقل و ارتباط آن با دین و وحی از ابتدا موضوعی مناقشه‌آمیز در بین حکمای اسلام و نیز غیر مسلمانان بوده است و ذکر این موارد تنها برای روشن شدن اهمیت دیدگاه حکیم ملاصدرا در بین دیگر نظریات موجود و دلیل پافشاری ایشان بر امور عقلی در کنار آموزه‌های نقلی است.

دیدگاه صدرا در خصوص رابطه عقل و دین

سه نظر در خصوص این رابطه

با نگاهی اجمالی به آثار موجود حکیم شیرازی می‌توان دو دیدگاه، در خصوص رابطه عقل و دین، برای ایشان برشمرد.

در نظر اول صدرالمتألهین عقل را روشن کننده مسیر معرفت معرفی می‌کند و معتقد است فلسفه نفس انسانی را به معرفت حقیقت موجودات همان گونه که هستند استکمال می‌بخشد و به قدر وسع خویش به واسطه براهین و نه براساس گمان و تقلید، حکم به وجود اشیاء می‌کند. «هذا الفن من لحكمه هو المطلوب لسيد الرسل المسئول في دعائه(صلى الله عليه وآله) حيث قال: «رب ارنا الاشياء كما هي» و للخليل(عليه السلام) ايضا حين سأل «رب هب لي حكماً» والحكم هو التصديق بوجود الاشياء.» (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۲۰ - ۲۱). وی عقل را اساس علوم می‌داند که در اعتقادات در هر دو قسم تصویری و تصدیقی حجت باطنی است. همان طوری که انبیا و ائمه(علیهم السلام) حجت ظاهری در دین خدا هستند.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۲۰)

در نظر دوم وی راه عقل را در جریان شناخت و کسب معرفت راهی تیره معرفی کرده و معتقد است عقل انسانی قادر به کشف دسته‌ای از حقایق نخواهد بود و برای عقل انسان محدودیت قائل است. از نگاه او اندیشه نخبگان علمی و عقلی بشر از درک نفس خویش عاجز است، چه رسد به درک حقایق زمینی و آسمانی و احاطه بر دقایق آفرینش و عجایب فطرت و آثار آن. «فاذا كانت احاطه الانسان بنفسه و بدنه على ما ينبغي متعذره. فكيف يكون الاحاطه بما في العالم الجسماني والروحاني ممكنه.» (صدرالمتألهین، ۱۳۸۲، ص ۳۹۷-۳۹۸) او خود توضیح می‌دهد که «عقل حجّیت مطلق و نامحدود ندارد، بلکه دارای حجّیت محدود است و در برخی موارد اساساً حجّیتی ندارد.» (همان)

با نگاهی اجمالی به این بیانات متوجه یک دوگانگی در سخنان این حکیم خواهیم شد؛ وی در جایی عقل را به عنوان منبع معرفت معرفی می‌کند و در جایی دیگر دست عقل را از دستیابی به آن کوتاه می‌داند. به عبارتی بیانات ملاصدرا در جایی همانند نظریات فلاسفه مشاء کاملاً بر عقل‌گرایی تأکید دارد و در جایی دیگر وی هم‌سرا با اهل حدیث و مکاتبی چون مکتب تفکیک راه عقل را تیره قلمداد می‌کند. به اعتقاد نگارنده با بررسی دقیق می‌توان

نظر سومی را نیز در آثار وی مشاهده کرد که گویا به واقع نزدیک‌تر بوده و به نوعی تکمیل‌کننده دو نظر قبل است.

صدرالمتألهین معتقد است «عقل و دین» آمیختگی عجیبی با هم دارد و مبانی وارده از شرع مقدس و انبیا مانند نبوت و امامت خاصه از طریق عقل و نقل هر دو اثبات می‌شود پس این معارف برخلاف عقل نخواهد بود و ممکن نیست انسان متعبد و مؤمن به وجود امر محال شود. «قد اشرنا مداراً الی ان الحکمه غیرمخالفه للشرایع الحقه الالهیه بل المقصود منهما شیء واحد وهی معرفه الحق الاول وصفاته و افعاله و هذه تحصل تاره بطریق الوحی و الرساله و تسمى بالنبوه و تاره بطریق السلوک و الکسب فتسمى بالحکمه و الولایه.» (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۱۰) آن‌هایی قائل به مخالفت حکمت و شریعت می‌شوند که نه شناختی از آن دو دارند و نه توان تطبیق شریعت بر براهین فلسفی. (همان، ص ۳۴) شناخت خداوند، آگاهی به معاد و علم طریق آخرت و... اعتقاداتی نیست که یک عامی و یا فقیه به صورت تقلیدی یا وراثتی پیدا کند، زیرا مسیر حقیقت همان‌گونه که برای بزرگان الهیون باز شده، برای آن‌ها باز نشده است. برای آن‌ها معرفت خداوند و حقیقت حقایق همانند آن‌چه برای عرفا مکشوف می‌گردد تمثل پیدا نکرده است. حصول چنین معرفت و شناختی ثمره نوری است که خداوند در قلب مؤمن می‌تاباند. او در تفسیر آیه شریفه «یوتی الحکمه من یشاء» می‌گوید: «این حکمت (تکمیل نیروی نظری، تحصیل علوم و معارف حقیقی) همان نوری است که دسترسی بدان امکان‌پذیر نیست مگر با تقوا و پرهیزگاری و یا این‌که خداوند او را از الطاف علم‌لدن بهره‌مند سازد.» (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۲، ص. ۱۰)

به نظر می‌رسد عقل‌گرایی در فلسفه صدرالمتألهین وسیع‌تر از فارابی و سهروردی است و هماهنگی قوی‌تری در فلسفه صدرایی میان عقل و وحی و به عبارتی دین و فلسفه به چشم می‌خورد.

۱- معارف عقل‌پذیر و عقل‌گریز و عقل‌ستیز

از دیدگاه ملاصدرا سه احتمال در خصوص رابطه عقل و معارف دینی قابل تصور است؛ عقل‌پذیری، عقل‌گریزی (فراعقلی) و عقل‌ستیزی، که وی تنها دو قسم اول را می‌پذیرد و جایی برای معارف دینی عقل‌ستیز تصور نمی‌کند. به اعتقاد صدرا قبول هر یک از این احتمالات، سبب پایه‌گذاری نظریه خاصی در مورد ارتباط یا عدم ارتباط عقل و دین می‌شود.

۱ - معارف عقل‌پذیر مانند اثبات مبدأ و معاد، نبوت، امامت.

۲- معارف عقل‌گریز مانند جزئیات دقیق از اعتقادات، احکام و اخلاق. این دسته از معارف، فراعقلی‌اند، یعنی خارج از حوزه ادراکات عقلی می‌باشند و این هرگز به معنای ضدعقل بودن آنان نیست.

۳- معارف عقل‌ستیز؛ که هرگز نمونه‌ای از آن یافت نمی‌شود. به اعتقاد صدرالمتألهین حکمت، هیچ‌گونه مخالفتی با شرع ندارد بلکه مقصود هر دو، معرفت حق تعالی است. این معرفت اگر از وحی حاصل شود، نبوت و اگر از سلوک و کسب به دست آید، حکمت و ولایت نامیده می‌شود؛ هرچند گروهی از افراد قادر به تطبیق خطابات شرعی بر براهین حکمی نیستند؛ زیرا این مهم علاوه بر تسلط به حکمت، نیازمند تأیید الهی و اطلاع از اسرار نبوت است (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۳۲۶) بنابراین هرگز شریعت تابناک الهی، تعارضی با معارف یقینی ندارد و فلسفه‌ای که اصول آن مطابق کتاب و سنت نیست نابود باد. (همان، ص ۳۰۳). این حکیم در نوشته‌های خویش به صراحت عدم تمسک به دین را مردود می‌داند و می‌گوید: «این بنده ذلیل از هر گفتار، کردار، اندیشه و نوشته‌ای که نسبت به درستی پیروی از شریعت اسلام زبان برساند، یا بوی اهانت به دین دهد و یا چنگ زدن به ریسمان محکم الهی را ضعیف نمایان کند، به پروردگار بزرگ پناه می‌برم؛ چرا که به یقین می‌دانم کسی را امکان بندگی شایسته الهی نیست، مگر به واسطه انسانی که از اسم اعظم الهی آگاه باشد و او کسی جز انسان کامل و خلیفه اکبر الهی نیست.» (صدرالمتألهین، ۱۴۲۰، ص. ۶۹) از نظر وی منظور از انسان کامل کسی است که به کمال عقل نظری (دست‌یابی به مرحله عقل مستفاد) و عقل عملی (رسیدن به مرتبه فنا پس از طی مراحل پیشین و سلوک در اسفار اربعه) رسیده باشد. از نظر ملاصدرا کسی که با دین انبیاء مخالفت کند، از حکماء نیست. «من لم یکن دینه دین الأنبياء (ع) فلیس من الحکمه فی شیء و لایعد من الحکماء من لیس له قدم راسخ فی معرفه الحقائق.» (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۲۰۵) بنابر این وی به شدت با دیدگاه اخباری‌گری، تصوف دروغین و فلسفه‌ای که به خیال عقل‌مداری از وحی فاصله گرفته مخالفت می‌کند. (همان)

با توجه به تعابیر بالا می‌توان به صراحت مدعی شد که ملاصدرا بارها بر هماهنگی و همراهی عقل و دین تأکید دارد و معتقد است عقل و شرع با هم توافق دارند. در نگاه ملاصدرا از یک طرف عقل و دین مؤید یکدیگرند و از طرف دیگر این دو مکمل هم‌اند در نتیجه هرگز میان دین حقیقی و مفاهیم درست کتاب و سنت با احکام و مدرکات عقل ناسازگاری نیست.

ملاصدرا دلیل استفاده از دین را به دلیل بهره بیشتر مردم از سمعیات بیش از عقلیات می‌داند بنابراین معتقد است باید برای ذکر مطالب عقلی ادله شرعی ذکر شود تا دانسته شود عقل و شرع در این مسائل با هم توافق دارند(همان)

ملاصدرا معتقد است اگر در پاره ای از موارد ناسازگاری در بین عقل و آموزه های دینی مشاهده می شود یا باید در عقلی بودن مطلب شک کرد یا در برداشت افراد از کتاب و سنت باید تردید نمود و یا باید در حکم به ناسازگاری تجدید نظر کرد به عبارت دیگر از دیدگاه ملاصدرا حتی در مواردی که حکم بر ناسازگاری آموزه‌های دینی با معارف عقلی است باید این مسئله از سه جنبه مورد بررسی واقع شود ابتدا باید در عقلانی بودن مطلب تردید کرد زیرا بسیاری از موارد حکم عقل نبوده و از دسته وهمیات و گاه شکیات می‌باشد در مرحله بعد باید در برداشت شخصی افراد دقت نظر بیشتری گردد زیرا نص قرآن و آموزه‌های دینی مصون از خطا و اشتباه با حجت باطنی است بنابراین این خطا ممکن است در نتیجه برداشت و فهم افراد بشر از این نصوص صورت پذیرفته باشد پس از طی این مراحل در نهایت باید در حکم به ناسازگاری عقل و شرع تردید کرده و آن را مورد واکاوی قرار داد. صدرا ویژگی اهل معرفت را آگاهی به همگامی عقل و دین می‌داند و آنان را از هرگونه افراط و تفریط در سهم هر کدام از این دو مقوله مبرا می‌داند. به اعتقاد صدرا اهالی معرفت به سبب پیروی از حجت ها و براهین الهی و دنباله روی از خاندان وحی به رازهای علم و یقین راهنمایی شده و نائل به کسب معرفت می‌گردند(صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۲۵)

به اعتقاد صدرا پیروی از ظواهر و تکیه بر تقلید به دلیل سستی عقل و کمی بینش است و از سوی دیگر زیاده روی در نقش عقل سبب زشتی باطن می‌گردد و این هر دو (کوتاهی و زیاده روی) از دور اندیشی به دوراند. کسی که به تقلید قانع شده و راه بحث و نظریات علمی را انکار کند راه درست را نمی یابد زیرا تنها دلیل و مستند بر شرع خداوند سخنان شخص پیامبر است که آن تنها از طریق برهان عقلی تصدیق و تایید شده و نیز کسی که تنها از عقل پیروی می کند در استنباط احکام دچار ناتوانی و بی چارگی می‌گردد پس لاجرم باید به دامان شریعت پناه برد زیرا می‌داند بهره عقل بیش از آن‌که به نور دین هدایت شود بسیار کم می‌باشد: « کسی که در اثبات فلک بکوشد و ملک را نبیند، از معقول پیروی نماید و منقول را انکار کند؛ همانند انسان یک چشم فریب‌کار است. چرا با دو دیده نمی‌نگرد... و چرا بین معقول و منقول و عقل و شرع جمع نمی‌کند؟ شرع، عقل ظاهر است و عقل، شرع باطن» (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۵، ص ۳۸۷-۳۸۸)

به اعتقاد صدرا مثال عقل همانند چشم سالم است و مثال قرآن و شریعت همانا خورشید می‌باشد و کسی که از عقل روی‌گردان است و تنها به شرع استناد می‌کند همانند کسی است که با چشمان سالم در برابر خورشید ایستاده اما چشمان خود را بسته است پس این فرد در حقیقت همانند نابینایان می‌باشد. عقل همراه شرع نور علی نور است و این اعتقاد تنها در بین فقهای امامیه و شیعه است زیرا تنها آنان انوار علم و حکمت را از کانون نبوت و ولایت فرا گرفته‌اند (صدرالمتألهین شیرازی، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۴)

ملاصدرا در مثالی دیگر اصل عقل را به منزله حیات در جهان دیگر می‌داند. به عبارتی عقل را قلب اخلاق نیکوی انسانی بر می‌شمرد و دین را مانند امنیت برای این بدن محسوب می‌کند. بنابراین هر انسانی که فاقد عقل باشد و از آموزه‌های آن بهره نبرد همانند انسانی است که حیات ندارد و کسی که فاقد دین باشد همانند انسان دارای حیات و زنده‌ای است که اعضای او را بریده باشند پس سراسر در رنج به سر می‌برد هر چند زنده باشد. (صدرالدین شیرازی، ۱۴۱۰، ص. ۳۲۶)

به نظر وی عقل و دین به عنوان دو حجت الهی‌اند. حجت ظاهری که خدا بر بندگان خود توسط پیامبران آورده است همانا دین و عقل حجت باطنی و حجت میان بندگان و خدا است. این دو حجت هر دو در یک راستا ایفای نقش می‌کنند. به نظر ملاصدرا دلیل وجود حجت ظاهری نارسایی عقول از رسیدن به درجه خود کفایی و به منظور آگاهی غیر اهل بصیرت است زیرا نابینا در راه رفتن نیازمند عصا کش می‌باشد اما اهل بصیرت علاوه بر استفاده از حجت خارجی از نور بصیرت داخلی نیز بهره‌منداند و به وسیله آن چشم قلبشان نورانی می‌شود و مبدا و معاد را کشف می‌کنند بنابراین نفس و قوای آن پس از تسلیم فرمان عقل منازل قرب را طی می‌کنند. این افراد وجودشان بسیار اندک است و دیگر افراد نیازمند حجت ظاهری‌اند (همان)

به نظر صدرا عقل انسان را بر شناخت اشیا آن‌گونه که هستند آگاهی می‌دهد و در راه گشایش دروازه‌های علم و حکمت مانند کلید است و این تنها در صورتی است که عقل با نور برگرفته از ملکوت اعلا (نور بصیرت علمی) تائید و تقویت شده باشند در آن صورت می‌تواند همه آن‌چه را دین به انسان توصیه می‌کند بفهمد. (همان، ص. ۳۲۷)

به نظر نگارنده ملاصدرا نه تنها معتقد به هماهنگی و رابطه میان عقل و دین است بلکه وی این رابطه را دوطرفه می‌داند. وی معتقد است انسان در سایه انجام اعمال عبادی و ریاضات و علم به شرایع واجد دریافت نور الهی می‌گردد و پس از تایید با این نور توانایی

رهایی از دوزخ و نجات از عذاب که سرچشمه آن دوری از عالم رحمت و خشنودی خدا و فروافتادن در عالم غضب خدا است را پیدا می‌کند. پس راه آخرت را فهمیده و در نتیجه علت سلوک را که همانا خارج شدن از نقص حرکت به سوی کمال است را درک می‌کند و سپس پیشوایان هدایت را از پیشوایان گمراهی تشخیص می‌دهد. عقل پس از علم به این امور ناگزیر باید در یگانگی خدا خالص شود و معترف به بندگی او در ظاهر و باطن باشد و عارف به حق او و از عبادت‌کنندگان او گردد. از معاصی گذشته توبه کرده و بر بلای خداوند صابر و بر نعمت‌های وی شاکر باشد. (صدرالمآلهین شیرازی، ۱۳۷۷، ص. ۵۷)

به نظر می‌رسد از عبارات بالا می‌توان چنین استنباط کرد در ابتدا دین عقل را به تأیید نور الهی می‌رساند و در ادامه عقل پس از این تأیید راه دست‌یابی به آموزه‌های دینی را می‌شناسد.

نتیجه‌گیری

ملاصدرا پس از بیان نظریات قطعی و روشن خویش در خصوص عقل و دین، این دو مقوله را مکمل و متمم هم می‌داند. صدرا در برخی عبارات خود مضامین متون دینی را از ناسازگاری با احکام قطعی و ضروری عقل تنزیه می‌کند و در برخی دیگر از آثار فراتر رفته و بر تطابق و توافق عقل و شرع در همه مسائل نظر می‌دهد زیرا وی ناسازگاری را گاهی به دلیل جمود بر ظواهر الفاظ می‌داند و معتقد است اگر از آن پرهیز شود به حقیقت مراد شارع می‌توان دست یافت و معتقد است گاهی نیز ممکن است آن‌چه به نظر حکم قطعی عقل قلمداد شود بیش از یک حکم ظنی چیزی نبوده و اصلاً حکم عقل نباشد بنابراین در هیچ جا بین عقل و آموزه‌های دینی ناسازگاری وجود ندارد.

عقل و دین مکمل هم‌اند یعنی نه دین بدون عقل می‌تواند به هدف خود برسد و قادر به بیان مفهوم خود در نزد همگان نخواهد بود و نه عقل بدون دین می‌تواند بشر را هدایت کند زیرا بدون نقشه راه به خطا و اشتباه دچار می‌گردد. دین نقش الهام بخشی دارد و عقل بدون آن نمی‌تواند به بسیاری از حقایق آگاه شود. فهم و درک بیانات دینی و دسترسی به مقاصد واقعی آن نیز جز با اتکا به عقل ممکن نیست.

فهرست منابع:

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۹۰)، سید محمد اخلاقی (ویراستار)، ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام، طرح نو
۲. حکیمی، محمد رضا، (۱۳۸۸)، مکتب تفکیک، دلیل ما
۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۸۸)، صفوان عدنان داوودی (محقق)، مفردات الفاظ القرآن، ذوی القربی
۴. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۷۷)، محمد خواجهی (مترجم)، تفسیر سوره واقعه، انتشارات مولی
۵. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۲)، حمید طیبیان (مترجم)، المظاهر الالهیه، امیر کبیر
۶. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۲)، سیدمحمد خامنه ای (مترجم)، المبدأ و المعاد، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۷. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۲)، سیدمصطفی محقق داماد (تصحیح، تحقیق و مقدمه)، الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۸. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۴)، ابوالقاسم مایینگ (مترجم)، کتاب المشاعر، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۹. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۵)، رضا استادی (مصحح)، شرح الاصول الکافی، ج. ۱، بنیاد حکمت اسلامی صدر
۱۰. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۹)، آیت الله محمدهادی معرفت (تصحیح، تحقیق و مقدمه)، تفسیر قرآن کریم، ج. ۴، ۷، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۱۱. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۸۹)، سیدمحمد خامنه ای (زیرنظر)، مقصود محمدی (ویراستار)، اسرار الآیات و انوارالبینات، رساله متشابهات القرآن، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۹۰)، سیدحسین نصر (مصحح)، رساله سه اصل، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۱۳. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۹۰)، سیدیحیی یتربی (مصحح)، مجموعه رسائل فلسفی، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۱۴. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۴۱۰)، الاسفار الاربعه، ج. ۹، ۸، ۷، ۶، ۵، ۱، داراحیاء التراث العربی

۱۵. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۴۱۰)، الحکمه المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعه، ج. ۴، دارالحیاء التراث العربی
۱۶. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۴۱۰)، محمد خواجهی (مترجم)، اسفار اربعه، ج. ۱، انتشارات تهران
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۴۲۰)، العرشیه، ج. ۴
۱۸. طریحی، فخرالدین بن محمد، (۱۳۸۷)، سیداحمد حسینی (محقق)، مجمع البحرین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۹. کربن، هانری، (۱۳۷۳)، جواد طباطبایی (مترجم)، تاریخ فلسفه اسلامی، انتشارات کویر
۲۰. بیوسفیان، حسن، (۱۳۸۶)، عقل و وحی، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

منابع برای مطالعه بیشتر

۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین، (۱۳۹۰)، قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۲. ابن شیعہ، حسن بن علی، (۱۳۸۰)، ترجمه تحت العقول عن آل الرسول علیهم السلام، دارالکتب الاسلامیه
۳. احسائی، احمد، شرح رساله العرشیه ملاصدرا، بیتا
۴. الزمخشری، محمود بن عمر، (۱۰۷۹)، اساس البلاغه، نشریه نسخه های خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران
۵. العسکری، أبو هلال، (۱۴۲۵)، معجم الفروق اللغویة، دار الجهره
۶. الفراهیدی، الخلیل بن احمد، (۱۳۶۴)، العین، دار الجهره
۷. الفراهیدی، الخلیل بن احمد، تحقیق مهدی المخروجی زیر ماده عقل (تحقیق)، ج. ۱
۸. ایوب بن موسی، ابوالبقا، (۱۲۸۵)، الکلیات
۹. آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۶۰)، تصحیح شواهد الربوبیه، مشهد، انتشارات دانشگاه
۱۰. آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۶۰)، شرح حال و آراء فلسفی ملاصدرا، زوار
۱۱. آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۷۸)، منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران، دفتر تبلیغات اسلامی
۱۲. آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۷۹)، شرح بر زادالمسافر ملاصدرا، امیر کبیر
۱۳. آشتیانی، جلال الدین، (۱۳۸۰)، تصحیح المبدأ و المعاد، دفتر تبلیغات اسلامی

۱۴. باریو، ایان، (۱۳۶۲)، علم و دین، بهاء‌الدین خرمشاهی (مترجم)، مرکز نشر دانشگاهی
۱۵. پاپکین، ریچارد هنری، (۱۳۹۰)، سیدجلال‌الدین مجتوبی (مترجم)، کلیات فلسفه، حکمت
۱۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲)، شرح حکمت متعالیه، ج. ۶، الزهرا (س)
۱۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۳)، شریعت در آئینه معرفت، مرکز نشر فرهنگی رجاء
۱۸. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، رهیق مختوم، ج. ۱، اسراء
۱۹. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲)، انتظار بشر از دین، اسراء
۲۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۲)، دین‌شناسی، اسراء
۲۱. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۴)، علی اسلامی (ویراستار)، تسنیم، اسراء
۲۲. جوادی آملی، عبدالله، شناخت‌شناسی در قرآن، بی تا
۲۳. حائری یزدی، مهدی، (۱۳۸۰)، جنبه‌ای تجربی از علم حضوری، سید محسن میری (مترجم)، مجله ذهن
۲۴. حائری یزدی، مهدی، (۱۳۸۴)، کاوشهای عقل‌نظری، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
۲۵. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۴۲)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، دفتر تبلیغات اسلامی
۲۶. حسین زاده، محمد، (۱۳۷۶)، فلسفه دین، دفتر تبلیغات اسلامی
۲۷. (۱۳۸۰)، مبانی معرفت‌دینی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۲۸. -----، (۱۳۸۱)، معرفت‌شناسی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۲۹. -----، حسین زاده، محمد، (۱۳۸۲)، پژوهشی تطبیقی در معرفت‌شناسی معاصر، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۳۰. -----، (۱۳۸۵)، درآمدی بر معرفت‌شناسی و مبانی معرفت‌دینی، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۳۱. -----، (۱۳۸۶)، منابع معرفت، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۳۲. -----، (۱۳۸۹)، معرفت‌دینی، عقلانیت و منابع، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
۳۳. خامنه‌ای، محمد، (۱۳۸۴)، حکمت متعالیه و ملاصدرا، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۳۴. خلدون، عبدالرحمن، (۱۳۸۸)، مقدمه ابن خلدون، علمی و فرهنگی

۳۵. زکریا، ابو الحسین احمد بن فارس، (۱۳۸۷)، حجت الاسلام علی عسکری (مترجم)، حیدر مسجدی (مترجم)، ترتیب مقایس اللغه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
۳۶. سجادی، جعفر، (۱۳۸۷)، فرهنگ اصطلاحات فلسفی ملاصدرا، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
۳۷. صالحی، صبحی، (۱۳۷۸)، نهج البلاغه، بیروت
۳۸. صدر، محمدباقر، (۱۴۰۲)، فلسفتنا، دارالتعارف
۳۹. صدرالدین شیرازی، محمد، (۱۳۱۳)، شرح الهدایه الاثیریة، چاپ سنگی
۴۰. -----، (۱۳۸۱)، محمد خواجهی (مترجم)، اسفار اربعه، انتشارات مولی
۴۱. -----، (۱۳۸۶)، نجف قلی حبیبی (مصحح)، مفاتیح الغیب، بنیاد حکمت اسلامی صدرا
۴۲. صدوقی سها، منوچهر، (۱۳۸۱)، شرح جدید منظومه سبزواری، آفرینش
۴۳. صفا، ذبیح الله، (۱۳۸۸)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، مجید
۴۴. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۵۳)، قرآن در اسلام، دارالکتب الاسلامیه
۴۵. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۷)، سید محمدباقر موسوی همدانی (مترجم)، ترجمه تفسیر المیزان، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
۴۶. مصباح، محمد تقی، (۱۳۷۹)، آموزش فلسفه، سازمان تبلیغات اسلامی
۴۷. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۶)، آشنایی با قرآن، صدرا
۴۸. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۹)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا
۴۹. معرفت، محمدهادی، (۱۳۹۰)، التمهید فی علوم القرآن، تمهید
۵۰. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۳)، چهل حدیث، موسسه تنظیم و نشر آثار
۵۱. موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۷۷)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی